



جنبش دانشجویی چهارم مه در چین

نوشته: وان لوی تی

نوشته‌ای زیر اقتباسی از جزوه‌ای بنام "جنبش ۴ مه". این جزوه در سال ۱۹۶۲ میلادی برشته تحریر در آمد و در پکن ریویو شماره ۱۹، به تاریخ ۱۱ مه ۱۹۶۲ به چاپ رسید.

جنبش عظیم ۴ مه در ۴۳ سال قبل (۱) شروع شد (در سال ۱۹۱۹ یعنی به تاریخ امروز مصادف با ۴ مه ۲۰۱۹ دقیقاً ۱۰۰ سال پیش). این جنبش اولین مبارزه انقلابی عمیق و همه‌جانبه و آشتی‌ناپذیر مردم چین علیه امپریالیسم و فئودالیسم بود.

اثرات انقلاب اکتبر

مردم چین در نتیجه فعالیت عناصر مترقی در کشور، تحت تأثیر انقلاب اکتبر قرار گرفتند. این واقعیت که انقلاب ۱۹۱۱ چین با شکست روبرو شده بود موجب شد که این عناصر مترقی در چین به امکان ایجاد یک جمهوری

بورژوازی شک کنند و هنوز در تاریکی به جستجوی راه‌حل برآیند. انقلاب کبیر اکتبر، راه آزادی را به مردم چین و سایر خلق‌های ستمدیده جهان نشان داد. تحت تأثیر انقلاب اکتبر عده‌ای از روشنفکران در چین پدیدار شدند که از آن انقلاب پشتیبانی کردند؛ آن‌ها درک اولیه از ایده‌های کمونیسم داشتند.

عمیق شدن جنبش نوین فرهنگی

در حوزه‌های روشنفکری چین و تحت تأثیر مطلوب انقلاب اکتبر و فعالیت انقلابی "لی تاجائو" (۲) و سایر روشنفکران هم‌عقیده وی، تغییرات شگرفی صورت گرفت. در بین سال‌های ۱۹۱۵ و ۱۹۱۸ دمکرات‌های متری خرده‌بورژوا در اتحاد با یک بخش از روشنفکران بورژوا، جنبش نوین فرهنگی را علیه فئودالیسم به حرکت درآوردند. این جنبش با انتشار یک مجله بنام "جوانان تراز نوین"، به اصول اخلاقی و ارزش‌های معنوی فئودالیسم که برای هزاران سال بر چین مستولی بود حمله‌ور شد. این مجله عقاید دمکراتیک و علمی را تبلیغ می‌نمود و خواستار انقلاب در فرهنگ بود. فرهنگ ارتجاعی فئودالی را با شدت بی‌سابقه‌ای مورد حمله قرار می‌داد و به مردم کمک کرد تا از بندهای فئودالی خود را رهایی بخشند. اما این جنبش نوین فرهنگی، کمافی‌السابق به تقلید از فرانسه فقط استقرار یک دمکراسی بورژوائی را پیشنهاد می‌کرد و هنوز با جنبش سیاسی علیه امپریالیسم و فئودالیسم پیوند نداشت.

اما مقارن سال ۱۹۱۹، با پذیرش عقاید انقلابی از جانب برخی رهبران آن جنبش و بسیاری از دانشجویان – عقایدی که از انقلاب اکتبر سرچشمه گرفته بودند – جنبش نوین فرهنگی تدریجاً به جنبشی که مارکسیسم را اشاعه می‌داد تکامل یافت و عقاید انقلابی تمام‌عیار ضد امپریالیستی و ضد فئودالی را منتشر می‌ساخت. این جنبش شیپور جنگ را برای مبارزه سیاسی علیه دشمنان مردم چین، یعنی امپریالیسم و فئودالیسم، به صدا درآورد.

مصادف با این ایام، که تضادهای طبقاتی در درون کشور حادث می‌شد و نیروهای انقلابی در چین تحت تأثیر الهام‌بخش انقلاب جهانی پرولتاریایی به‌طور روزافزون بیدار می‌شدند، اخبار شکست سیاسی دولت چین در کنفرانس پاریس به چین رسید. این اخبار بی‌درنگ آتش مبارزه ضد امپریالیستی و ضد فئودالی مردم چین را شعله‌ور ساخت.

کنفرانس صلح پاریس – یک درس تلخ

کنفرانس صلح پاریس که در ژانویه ۱۹۱۹ به‌وسیله ایالات متحده انگلستان، فرانسه و سایر کشورهای فاتح در جنگ جهانی اول تشکیل شد، کنفرانس تقسیم غنائم جنگ و تقسیم مجدد مستعمرات بود. قدرت‌های امپریالیستی قبل از

شروع کنفرانس با دورویی خارق‌العاده‌ای اعلام داشتند که اصول "عدالت" و "حق تعیین سرنوشت ملی" را محترم خواهند شمرد. بورژوازی ملی چین، به همراه برخی از روشنفکران، به این تبلیغات امپریالیستی دل خوش کرده و امیدوار بودند که استقلال ملی و آزادی چین را بازستانند. بنابراین نماینده چین تحت فشار عموم مردم از کنفرانس تقاضا کرد که امتیازات ویژه‌ای که قدرت‌های امپریالیستی در چین از آن برخوردارند ملغی شود. امتیازات تحمیلی ژاپن باطل شود و امتیازات مختلفی که قبلاً آلمان در ناحیه "شانتان" داشت و پس از آن در طول جنگ به تسلط ژاپن در آمد، به چین بازگردانده شود. کنفرانس بی‌درنگ تمام این خواسته‌ها را رد کرد و حتی در پیمان صلح تصریح نمود که ژاپن باید وارث تمامی حقوق و منافع باشد که آلمان در شانتان داشت.

دولت سست‌عنصر دیکتاتوری نظامی پکن، در برخورد با چنین تصمیمات غیرعادلانه‌ای، تحت اوامر قدرت‌های امپریالیستی در واقع آماده تسلیم و امضای قرارداد صلح بود. وقتی این خبر به چین رسید آتش خشم همه ملت را برافروخت. کنفرانس پاریس درس تلخی برای مردم چین بود. آن‌ها به معنای واقعی تبلیغات امپریالیستی پی بردند و به این درک رسیدند که هرگز نمی‌توانند انتظار کسب آزادی ملی را به عنوان "عنایت" ارزانی شده از دست قدرت‌های امپریالیستی داشته باشند. آن‌ها پی بردند که همانند مردم روسیه تنها از طریق اتکا به نیروی خود و از طریق قیام در جهت "راه حل مستقیم" می‌توانند به استقلال ملی و آزادی نائل آیند.

اعتراض دانشجویان

در ۴ مه ۱۹۱۹، هزاران دانشجوی شهر پکن در جلوی میدان "تین آن من" اجتماع کردند. شعارهای "حاکمیت کشور ما را محفوظ نگه دارید! مرگ بر خیانت‌کاران!"، "قرارداد صلح نباید امضاء شود!" و توسط دانشجویان مطرح شد. این شعارها، که به شعارهای مبارزه در سرتاسر کشور مبدل گشتند، خواست تمامی مردم چین را در مخالفت مصمم آن‌ها با امپریالیسم و فئودالیسم بیان می‌کردند.

در گذشته بورژوازی چین برای انجام انقلاب دمکراتیک، از رنجش امپریالیسم هراسناک بود. برای مثال، بعد از انقلاب ۱۹۱۱، دولت موقت نانکین از ترس تهاجم امپریالیست‌ها موافقت خود را با تمام امتیازاتی که قدرت‌های امپریالیستی در چین داشتند اعلام نمود. ولی جنبش ۴ مه، تحت تأثیر انقلاب اکتبر، درفش مبارزه را علیه امپریالیسم برافراشته و دوره نوینی را در انقلاب دمکراتیک چین گشود. شعار "حاکمیت کشور ما را محفوظ نگه دارید! مرگ بر خیانت‌کاران!" نشان داد که مردم چین به این درک رسیده‌اند که دولت دیکتاتوری نظامی چیزی جز حائلی برای تسلط امپریالیستی در چین نیست. این شعار مبارزه ضد امپریالیستی را با مبارزه علیه فئودالیسم پیوند داده بود. همچنین نشان داد که مردم بیش از گذشته آماده یک مبارزه پیگیر گشته‌اند. در دوره‌های قبلی، انقلابیون این توهم را در مغز خود می‌پروراندند که می‌توانند با "مساعدت" قدرت‌های خارجی

امپریالیستی، نیروهای فئودالی را در کشور واژگون کنند (انقلاب ۱۹۱۱ از چنین توهمی پیروی می‌کرد) و یا در مبارزه‌شان علیه امپریالیسم، از وارد کردن ضربات کاری علیه نیروهای فئودالی داخل که با قدرت‌های امپریالیستی وحدت و همکاری داشتند غفلت می‌ورزیدند (این‌چنین بود جنبش "بی هو توان" در سال ۱۹۰۰) و در نتیجه تمام این جنبش‌ها با شکست روبرو شدند.

در طول جنبش ۴ مه مقامات بالای حکومتی که قراردادهای مستعمراتی را امضاء کرده و چین را به تاراج امپریالیست‌ها داده بودند، به‌عنوان متهم اعلام شدند. در این جنبش، دانشجویان با طرد سنن قدیمی "نزاکت" و "آداب آراسته و آقامنشانه" روشنفکران چینی، در تظاهرات شرکت کرده و به عملیات مستقیم و مبارزه‌جویانه‌ای متوسل شدند. آن‌ها خانه "تسائو جولین" (وزیر ارتباطات) را سوزانده و "چان تسان هسیان" (وزیر دارائی) را کتک زدند. دولت دیکتاتوری نظامی فوراً تعداد زیادی ژاندارم و پلیس به محلات اعزام داشت که ۳۲ نفر از دانشجویان "آشوبگر" را دستگیر کردند. در پنجم ماه مه، دانشجویان به یک تظاهرات عمومی دست‌زده، خواستار آزادی دستگیرشدگان شدند و تقاضاهای بیشتری را با روحیه مبارزه‌جویانه مطرح ساختند. در ششم ماه مه، دانشجویان فدراسیونی تشکیل دادند که دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها و دبیرستان‌های شهر را دربر می‌گرفت. این فدراسیون به‌سرعت گروه‌های تبلیغاتی به وجود آورد که اخبار مبارزات انقلابی را به خیابان‌ها و روستا می‌بردند. همچنین فدراسیون دست به ایجاد جنبش تحریم کالاهای ژاپنی زد و اقداماتی برای اشاعه این جنبش در سراسر چین به عمل آورد. دیری نپائید که شهرهای بسیاری به این ندا پاسخ مثبت داده و دانشجویان در آن نقاط دست به اعتصاب زدند. از تاریخ ۴ مه تا اوایل ژوئن دانشجویان در بیش از ۵۰ شهر بزرگ و متوسط در اعتصاب بودند.

سه گروه روشنفکر

سه گروه از روشنفکران در جنبش شرکت کردند: روشنفکران کمونیست، روشنفکران خرده‌بورژوازی انقلابی و روشنفکران بورژوا. زمانی که جنبش به روش‌های انقلابی دست زد، روشنفکران بورژوا به وحشت افتادند و فوراً به جنبش اتهام "افراطی" و "فاقد سیاستمداری زمامداران انگلیسی - آمریکائی" زدند. بعضی از آن‌ها حتی با اعتصاب مخالفت ورزیده، اعلام داشتند که دانشجویان باید به کلاس درس خود برگردند و "توجه خود را به مطالعه دروسشان معطوف دارند." علیرغم آن اتهامات، روشنفکران کمونیست موضع کاملاً مخالفی را اتخاذ نمودند. آن‌ها فعالانه خود را به درون جنبش انداختند و درعین حال در ضمن پشتیبانی، آنرا از طریق تبلیغات در مجله هفتگی و سایر مجلات مترقی رهبری می‌کردند. زمانی که جنبش توسعه یافت و ریشه دوانید، "لی تاجائو" مقاله‌ای در مجله هفتگی تحت عنوان "سیاست مخفی و جهان چپاولگران" نوشت. در این مقاله وی خاطرنشان ساخت که هدف نهائی انقلاب مردم باید کسب "حق تعیین سرنوشت ملی" و "واژگونی جهان چپاولگران" باشد، یا

به عبارت دیگر هدف نهائی کسب استقلال ملی و واژگونی سیادت امپریالیسم جهانی است. در نتیجه او صریحاً جنبش جاری را با مبارزه ضد امپریالیستی در سراسر جهان پیوند داد تا آنرا به یک جنبش واقعا انقلابی مبدل سازد. این مقاله توده‌های مردم را بیش‌ازپیش بیدار کرد و حس مبارزه‌جویانه آن‌ها را برانگیخت. بعلاوه، این مجله هفتگی، از کارگران، دهقانان تجار، روشنفکران، کارکنان روزنامه‌ها، نگهبانان، سربازان و کارکنان دولتی، و به‌طور خلاصه، از تمام اقشار خلق، دعوت کرد که به مبارزه پیوندند. همچنین متذکر شد که این جنبش باید از یک مبارزه دانشجویی به یک نبرد متحد مبارزه‌جویانه اقشار مختلف مردم، مبدل شود. به عبارت دیگر، مجله هفتگی ضروری دانست که جبهه متحد ضد امپریالیستی باید به خاطر بسط نیروهای جنبش گسترده‌تر شود. جنبش ۴ مه در این زمان دقیقاً در مسیر سیاست‌های طرح‌شده از جانب روشنفکران کمونیست به‌پیش رفت.

امپریالیست‌های ژاپن که از رشد جنبش دانشجویان به وحشت افتاده بودند برای سرکوب آن سرباز، پلیس و پلیس مخفی به سراسر نقاط اعزام داشتند و در عین حال بروی دولت دیکتاتوری نظامی فشار وارد آوردند و خواستند که جنبش را قدغن سازد. در ۳ ژوئن، دولت دیکتاتوری نظامی تعداد ۱۷۸ دانشجو را در پکن بخاطر تبلیغاتی که علیه دولت امپریالیستی ژاپن می‌کردند، دستگیر کرد. در ۴ ژوئن، تعداد ۷۰۰ نفر دیگر دستگیر شدند. مع‌هذا فعالیت تبلیغاتی دانشجویان به گسترش خود ادامه داد و آن جوانانی که به این کار کمر بسته بودند عزمی بسیار راسخ داشتند. آن‌ها حتی رختخواب خود را حمل می‌کردند و کاملاً برای زندانی شدن آماده بودند. این دستگیری‌های عمومی به هیزم شعله‌های آتش مبارزه افزود.

جنبش خلق اوج بیشتری می‌گیرد

در حالی که خبر دستگیری‌ها اشاعه می‌یابد، جنبش خلق در سراسر کشور اوج بیشتری می‌گیرد. در سوم ژوئن، جنبش وارد دوره نوینی از تکامل خود می‌شود. این روز بنام "جنبش ۳ ژوئن" معروف است. در چنین روزی کارگران دست به اعتصابات سیاسی زده و در پشتیبانی از دانشجویان به مبارزه می‌پیوندند. خرده‌بورژوازی شهر و بورژوازی ملی همچنین به درون جنبش کشیده شده و جنبش از مبارزه روشنفکران جوان به نبرد توده‌ای کلیه مردم تکامل می‌یابد. طبقه کارگر بجای دانشجویان به نیروی عمده جنبش مبدل می‌شود و کل جنبش از پکن به شانگهای صنعتی و تجارتی منتقل می‌شود.

بیش از ۵۰۰۰۰۰ کارگر صنعتی در شانگهای، این مرکز صنعتی چین متمرکز شده بودند. این شهر همچنین پایگاه عمده حمله امپریالیسم به چین بود و حدت تضادهای طبقاتی و تضادهای ملی در آن به همین سبب بود. بعلاوه، کارگران کشتی در شانگهای مرتب با کارگران اروپائی در تماس بودند و تعداد زیادی از کارگران چینی که هم در طول جنگ و هم پس از جنگ جهانی اول در کشورهای خارج کار می‌کردند، به چین برگشته بودند. بنابراین

کارگران شانگهای تا حدودی قبل از کارگران سایر شهرها تحت تأثیر انقلاب جهانی پرولتاریایی قرار گرفته بودند. تمام این‌ها دلایلی هستند مبنی بر اینکه چرا شانگهای زادگاه "جنبش ۳ ژوئن" شد و چرا طبقه کارگر در آنجا به‌مثابه مرکز و پیش‌تاز این جنبش قدم به جلو گذاشت.

کارگران به مبارزه وارد می‌شوند

در پنجم ژوئن، بعد از اینکه اخبار دستگیری‌های عمومی دانشجویان در پکن به شانگهای رسید، کارگران کارخانه‌ها پنبه بافی متعلق به ژاپنی‌ها، اولین کارگرانی بودند که اعلام اعتصاب کردند. به‌زودی کارگران شرکت‌های انگلیسی، آمریکائی و فرانسوی و همچنین کارگرانی که در شرکت‌های متعلق به سرمایه‌دارهای چینی اشتغال داشتند به آن‌ها پیوستند. در عین حال با اعتصابات کارگران در ۵ ژوئن، شرکت‌های تجاری، بنا به تقاضای دانشجویان و به پشتیبانی دفترداران انبارها، دست از کار کشیدند. در ضمن اعتصابات دانشجویان ادامه می‌یافت و اعتصاب صنایع، بستن بازار و اعتصاب دانشجویان در مجموع به نیروی انقلابی قدرتمندی بدل شد. اعتصاب صنایع، عبور و مرور وسایل نقلیه را در شهر، به کلی فلج کرد.

طغیان جنبش همگانی در شانگهای رخدادهای مشابهی را در سایر شهرها که کارگران به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای متراکم بودند شعله‌ور ساخت. این رخدادها نیز تحت‌الشعاع اعتصابات کارگران بود. اعتصاب در صنایع چندین شهر اعلام شد. حمل‌ونقل در بسیاری از خطوط عمده راه‌آهن متوقف شد. اعتصابات در بنادر مختلف، واردات و صادرات را به‌زانو درآورد. شهرهای بیشتری با اعتصاب دانشجویان و توقف تجارت به جنبش پیوستند. در طول یک هفته از تاریخ ۳ ژوئن، جنبش به ۱۵۰ شهر در ۲۲ استان گسترش یافت. چینی‌های خارج از کشور و دانشجویانی که در خارج به تحصیل اشتغال داشتند نیز به ندای جنبش پاسخ مثبت دادند.

این جنبش ضربات دردناکی بر امپریالیست‌ها و دولت دیکتاتوری نظامی وارد آورده بود؛ در چنین شرایطی آن‌ها برای درهم کوبیدن مبارزه مردم با یکدیگر هم‌داستان شدند و کشتی‌های جنگی بیشتری از ژاپن، انگلیس و فرانسه به چین اعزام کردند. دولت دیکتاتوری نظامی، کارخانه‌ها در حال اعتصاب را با سربازان، پلیس‌ها و پلیس‌های مخفی خود محاصره نموده و مردم بیشتری را دستگیر کرد. دولت دیکتاتورهای نظامی، تحریم اجناس ژاپنی را غیرقانونی اعلام داشته، اماکن فدراسیون‌های دانشجویی و سایر سازمان‌های مترقی را مهروموم کرد و چاپ مطبوعات انقلابی را تحت توقیف قرار داد. همچنین با استفاده از تاکتیک‌های تفرقه‌افکنانه علیه جنبش سعی داشت که ابتدا تجار را مجبور به بازکردن مغازه‌هایشان نموده و بدین طریق کارگران را در مبارزه و اعتصابات خود منفرد ساخته و سپس آن‌ها را مجبور به بازگشت به کار نماید. زمانی که جنبش آغاز شد، بورژوازی ملی شور و شوق قابل‌ملاحظه‌ای در مبارزه نشان می‌داد. این بخصوص در تحریم کالاهای ژاپنی که با منافع خودشان تطابق

داشت، و فرصت عظیمی به کالاهای چین می‌داد که جایگزین کالاهای ژاپنی شود، صدق می‌کرد. اما به محض اینکه اعتصابات کارگران به نسبت تهدیدکننده‌ای رشد یافت و ارتجاعیون به فشار خود افزودند، علائم تزلزل بورژوازی ملی به ظهور رسید. آن‌ها تقاضای "تحریم مؤدبانه" و "عاری از آشوب" را مطرح ساختند و سعی کردند که مبارزه را در چهارچوب "قانونی" نگهدارند. آن‌ها حتی آماده بودند که درهای کارخانجات خود را باز کنند و با ارتجاعیون از پی تبانی در آیند. آن‌ها از هر دسیسه‌ای برای محدود ساختن و سد راه شدن اعتصابات کارگران استفاده می‌کردند.

مع الوصف، طبقه کارگر خصلت پایداری خود را در مبارزه به ظهور رساند. آن‌ها محاصره کارخانه‌ها را توسط ارتش و پلیس ارتجاعی درهم شکسته، محدودیت‌های و کارشکنی‌های بورژوازی را کنار زدند و به اعتصابات خود ادامه دادند. طبقه کارگر با همکاری دانشجویان بر تزلزل بورژوازی غلبه کرده و کوشش‌های آن‌ها را در بازکردن کارخانه‌هایشان و کنار آمدن با ارتجاع خنثی نمود.

مرکز رهبری کننده

در مسیر تکاملی جنبش، کارگران و دانشجویان، خرده‌بورژوازی و بورژوازی ملی در سراسر کشور یک جبهه متحد دمکراتیک ملی وسیع به وجود آوردند. این جبهه شکل "فدراسیون دانشجویی" و "فدراسیون کلیه اقشار مردم" و غیره به خود گرفت. اجتماعات مختلفی که روشنفکران کمونیست و جوانان انقلابی طرفدار آن‌ها به وجود آوردند، مرکز رهبری کننده سازمان‌های جبهه متحد ملی شدند. یکی از این اجتماعات بنام "جامعه مطالعه نوین" در "چان شان" تحت رهبری مائو تسه دون قرار داشت. در تمام طول جنبش، این اجتماعات مخالفت کامل با امپریالیسم و فئودالیسم را به توده‌های مردم می‌آموختند و آن‌ها را متشکل می‌ساختند تا علیه هرگونه تظاهر سازشکارانه بورژوازی مبارزه کنند. با چنین رهبری ثابت‌قدم، جنبش تا به آخر مقاومت نمود. بهترین اعضای این اجتماعات، با آبدیدگی‌ای که در مبارزات جنبش ۴ مه و مطالعات مارکسیستی خود به دست آوردند، پایه‌گذاران حزب کمونیست چین شدند.

دولت دیکتاتورهای نظامی عاقبت در نتیجه رشد قدرتمند و سرناسری جنبش انقلابی و بخصوص در نتیجه جنبش پرشکوه اعتصابات کارگری مجبور به عقب‌نشینی شد. دولت دیکتاتور نظامی، دانشجویان دستگیر شده را آزاد کرد و دستور اخراج صاحب‌منصبان خیانت‌کار را صادر نمود و به نماینده چین در کنفرانس صلح پاریس دستور داده شده که از امضای قرارداد صلح امتناع ورزد. جنبش ۴ مه به پیروزی عظیمی نائل آمده بود.

علت عمده پیروزی در این اولین جنبش انقلابی پیگیر و غیر سازشکارانه و ضد امپریالیستی و ضد فئودالی در تاریخ چین، این واقعیت بود که تحت تأثیر نیرومند انقلاب اکتبر برای اولین بار طبقه کارگر چین به صحنه سیاسی قدم گذارده بود.

روشنفکران کمونیست اولین افرادی بودند که راه انقلاب اکتبر را در پیش گرفتند. آن‌ها نقش رهبری را در جنبش ۴ مه داشتند و جهانی‌بینی پرولتاریایی را به‌مثابه وسیله مطالعه و حل مسائل انقلاب چین پذیرفتند. آن‌ها به مردم کمک کردند تا تصورات واهی خود را درباره امپریالیسم به دور بریزند و برای اولین بار در تاریخ انقلاب دمکراتیک چین درفش مبارزه پیگیر را علیه امپریالیسم برافراشته و مبارزه علیه امپریالیسم را با مبارزه علیه فئودالیسم پیوند دادند. برخلاف رهبران قبلی انقلاب دمکراتیک، که فقط خواستار ایجاد یک جمهوری بورژوائی در چین بودند، این روشنفکران کمونیست مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه ضد فئودالی را با ایده‌های "واژگون کردن جهان چپاولگران" و برقراری یک جامعه سوسیالیستی پیوند دادند. آن‌ها مبارزه را در جهت این هدف‌ها هدایت کرده و کل جنبش را با روح انقلابی تمام‌عیار عجین نمودند.

عامل عمده پیروزی

جنبش ۴ مه یک جنبش توده‌ای انقلابی با شرکت طبقه کارگر بود. تا قبل از این، جنبش طبقه کارگر چین به‌مثابه یک نیروی سیاسی مستقل در انقلاب دمکراتیک شرکت نکرده بود. رهبران انقلابات قبلی یا از ایدئولوژی خرده‌بورژوائی که مشخصه دهقانان است برخوردار بوده و از ایجاد وحدت عمیق با سایر نیروهای انقلابی و دیدن آینده مبارزه عاجز ماندند. و یا تحت تأثیر افکار بورژوائی از یکسو از کارگران و دهقانان و از سوی دیگر از امپریالیسم و فئودالیسم وحشت داشتند. هیچ‌کدام آن‌ها قادر به انجام وظیفه واژگونی امپریالیسم و فئودالیسم نبودند. لیکن، جنبش ۴ مه شرایط را به‌کلی دگرگون کرد. طبقه کارگر با قدم گذاردن به صحنه سیاسی بزرگ‌ترین پایبندی و ژرف‌ترین مبارزه ضد امپریالیستی و ضد فئودالی را از خود به‌منصه ظهور رسانید. ورود طبقه کارگر به مبارزه عامل تعیین‌کننده‌ای در به پیروزی رساندن جنبش ۴ مه بود. جنبش ۴ مه از سرآغاز مبارزه به "راه حل مستقیم"، یعنی به جنبش انقلابی توده‌ای از طریق به راه انداختن تظاهرات، اعتصابات کارخانه‌ها صنعتی و تجارتی و اعتصابات دانشجویی علیه کلیه نیروهای ارتجاعی با وارد کردن ضربات پی‌درپی، مبادرت ورزید. این راه‌حل، آگاهی انقلابی توده مردم را وسیعاً ارتقا داد.

جنبش ۴ مه با رفتن به جنگ علیه "جهان چپاولگران" - طبقه سرمایه‌دار جهانی - همدردی و پشتیبانی پرولتاریای جهانی را به خود جلب نمود. درحالی‌که مخالفت امپریالیسم جهانی را علیه خود برانگیخت. تا قبل از

جنبش ۴ مه انقلاب دمکراتیک چین بخشی از انقلاب جهانی بورژوائی بود. لیکن پس‌از این جنبش، انقلاب چین بخشی از انقلاب جهانی پرولتاریایی گردید.

ایجاد حزب کمونیست

جنبش ۴ مه مؤید صحت راه انقلابی‌ای بود که به‌وسیله انقلاب اکتبر گشوده شد و کمک به تسریع گسترش مارکسیسم – لنینیسم نمود. پس از جنبش ۴ مه توده‌های عظیم روشنفکران انقلابی به‌طور روزافزون مشتاق شناخت از روسیه شوروی شده و آرزوی سیستم سوسیالیستی را می‌کردند. مجله "جوانان تراز نوین" و سایر مجلاتی که عقاید نوین فرهنگی را اشاعه می‌دادند، مقالاتی مانند "مطالعات مارکسیستی"، "مطالعات درباره روسیه" و "اول ماه مه" و سایر مقالات را بچاپ رسانیده، یا در شماره‌های فوق‌العاده مقالاتی در اشاعه مارکسیسم و در انتقاد از عقاید مختلف ضد مارکسیستی که در آن زمان در چین وجود داشت، بچاپ می‌رساندند. آن‌ها اولین جنبش مطالعه مارکسیسم را در تاریخ چین شروع کردند. به‌زودی مارکسیسم به جریان عمده در جنبش نوین فرهنگی مبدل شد. صفوف کمونیست‌ها به‌سرعت آغاز به گسترش نمود و در نتیجه جنبش ۴ مه، هم از دیدگاه ایدئولوژیک و هم در زمینه تربیت کادر راه را برای ایجاد حزب کمونیست چین هموار ساخت.

بزرگ‌ترین ره‌آورد جنبش ۴ مه این بود که پیوند جنبش طبقه کارگر چین را با مارکسیسم تسریع نمود. ایجاد حزب کمونیست چین در ۱۹۲۱ نشانه والای چنین پیوندی بود.

پس از جنبش ۴ مه و ایجاد حزب کمونیست چین، انقلاب چین جنبه کاملاً نوینی به خود گرفت. پس‌از آن انقلاب دمکراتیک چین، تحت رهبری حزب کبیر کمونیست چین، قدم‌به‌قدم به پیروزی نائل آمد.

توضیحات

(۱) جنبش ۴ مه در سال ۱۹۱۹ به وقوع پیوست.

(۲) لی تا چائو در سال‌های وقوع جنبش ۴ مه، استاد دانشگاه پکن بود. او زندگی خود را در خدمت اشاعه مارکسیسم و فعالیت‌های انقلابی و مبارزه علیه امپریالیسم و فئودالیسم گذارد.

انتشار در ۴ ماه مه ۲۰۱۹ - ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۸ توسط:
گروه کمونیست‌های انقلابی سنتز نوین کمونیسم در ایران

